

شوق روزنامه

نگاه

سمن ها؛ انتظارات و ظرفیت‌ها

سمنه مداح . نازنین عین‌الیقین

یک اقتصاد ایده‌آل را تصور کنید که در آن هیچ مانعی برای تجارت در هیچ بازاری نیست، میزان عرضه و تقاضا همیشه متعادل است و همه به بیشینه سود خود می‌رسند. موازنه حاصل از این دنیای ایده‌آل نشانگر مجموعه‌ای از شرایط بی‌سینه است که شرایط بهینه‌ی خواننده می‌شود. در دهه ۶۰، ریچارد لیبسی و کلونین لکستر به وقایع واردشدن یک محدودیت (یا اختلال) در چنین نظامی پرداختند که سبب می‌شود یک یا دو شرط بهینه‌ی دیگر موجود نباشد. آنها نشان می‌دهند که درحالی‌که سایر شرایط بهینه‌ی ممکن است همچنان موجود و قابل دسترس باشند در این شرایط به کارگیری آنها دیگر به بهینه‌ی کمک نمی‌کند. به بیان دیگر، اگر یکی از شرایط بهینه‌ی محقق نشود، بهترین جایگزین دوم، مستلزم نادیده‌گرفتن همه دیگر شرایط بهینه نیست. این مسئله در علوم اجتماعی نیز صدقاً دارد؛ به‌این‌ترتیب که با چه شرایط بهینه‌ی یک مداخله می‌تواند به اثربخشی مطلوب خود برسد و این در مورد سمن‌های ایرانی، به‌ویژه سمن‌های دور از مرکز سوآلی اساسی است. اصلاح بخشی خاص از این نقصان، بدون رسیدگی به سایر جنبه‌ها الزاماً اوضاع آموزش و بهزیستی عمومی کودکان را بهبود نمی‌بخشد. در اینجا غرض اشاعه ناامیدی نیست، بلکه در زمینه سازمان‌های مردم‌نهاد سؤال اصلی عبارت است از:

در صورت وجود باور به نقش آموزش پیش‌دبستانی به عنوان اساس آموزش، این سازمان‌ها چه ظرفیت‌های مالی و انسانی در خود دارند تا بتوانند شرایطی را فراهم آورند که در درازمدت به رشد و رفاه کودکان کمک کنند. اساساً این سازمان‌ها تا چه حد در مناطق دور از مرکز حضور دارند و مربی آموزش‌دیده مجرب برای آموزش پیش‌دبستانی در اختیار دارند. به طور مثال، استفاده از نیروی داوطلبی که آموزشی ندیده است (که در جای خود بسیار ارزشمند و بخشی از سرمایه اجتماعی سمن‌هاست) یکی از شروطی است که در نبود آن، سایر شرایط بهینه‌ی جایگاه خود را از دست می‌دهند و بهزیستی و کامیابی تحصیلی که انتظار می‌رود با آموزش پیش‌دبستانی تسهیل شود، محقق نمی‌شود.

شاید در اینجااست که ترکیب بخش خصوصی و سمن‌ها می‌تواند ما را تا حدودی به شرایط مطلوب نزدیک کند. جایگاه مالی بخش خصوصی در ترکیب با دانش سمن‌ها از شرایط بومی و نیازهای واقعی اجتماع محلی، می‌تواند یک انتخاب باشد. در این ترکیب، شرکت‌ها به دانش، تخصص و شبکه‌هایی دست می‌یابند که پیش از این، راهی به آنها نداشته‌اند، این می‌تواند بازارهای جدیدی را به روی آنها بگشاید یا به حضور پایدارشان در یک بازار کمک کند. از طرف دیگر، سازمان‌های جامعه مدنی به کمک مشارکت مالی بخش خصوصی، دامنه تأثیرگذاری خود را گسترش می‌دهند و در این میان از مهارت‌های بخش خصوصی برای شناسایی خدمات خود و حمایت‌یابی بهره می‌گیرند. بدیهی است دولت در غیاب شرکای دیگر در هیچ زمینه‌ای در توسعه، توفیقی نخواهد داشت و حوزه آموزش نیز مستثنا نیست. شاید نقش دولت دراین‌میان تسهیل همکاری همه این بخش‌های مختلف و ایجاد شبکه‌ای از نهادهایی است‌که بر اساس ماهیت و ساختار کاری خود می‌توانند در یک خوشه قرار گیرند. حضور دولت برای همه شرکا، حتی در سطحی‌ترین شکل خود، عاملی است برای کاهش ریسک مشارکت و اعتمادپذیری طرح. یک نمونه موفق از این مشارکت سه‌جانبه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در برنامه پیش‌دبستانی خواهران کوچک (Little Sisters) به‌خوبی دیده می‌شود. بنیاد نیمی از آسمان (Halfthe Sky) یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در چین در مشارکت با مؤسّس کردیت سوئیس (SuisseCredit) برنامه‌ای برای گسترش پیش‌دبستانی در میان کودکان دو تا هفت‌ساله در استان‌های در چین به اجرا درآورند. این پیش‌دبستانی‌ها درون موسسات رفاهی و بهزیستی دولتی تشکیل می‌شوند و از تأیید وزارت امور مدنی چین برخوردار هستند. این برنامه که در سال ۲۰۰۰ شروع شد درحال‌حاضر در ۴۵ مرکز برای هزارو ۵۰۰ کودک به کمک ۴۰۰آموزگار اجرا می‌شود. وزارت امور مدنی چین مدل پیش‌دبستانی نیمی از آسمان را به عنوان مدلی جامع ارزیابی کرد و نهایتاً این پیش‌دبستانی‌ها در همه پرورشگاه‌های چین هم برگزار خواهند شد.

جدای از نیاز به ظرفیت‌های لازم، مسئله حائز توجه دیگر، باور سازمان‌های مردم‌نهاد مناطق درفادادتر و محروم‌تر به اهمیت پیش‌دبستانی به عنوان بخشی از بنیاد آموزشی کودکان است. این سازمان‌ها که برآمده از اجتماع محلی و طبیعتاً منعکس‌کننده دیدگاه‌های این اجتماع هستند، خود تا چه حد در شرایط محرومیت در مقابل خدماتی همچون تغذیه و پوشاک به امر آموزش پیش‌دبستانی بهما می‌دهند یا امکان بهادادن پیدا می‌کنند و در صورتی که این اراده در سمنی باشد تا چه حد با اقبال اجتماع محلی روبه‌رو می‌شود. شاید روستامهدها در ایران مثال مناسبی باشند از اینکه چگونه در یک همکاری میان بخشی، حضور شوراهא، اعضای اجتماع محلی و سازمان بهزیستی می‌تواند به موفقیت و بقای طرحی کمک کند. در مدل روستامهدها پس از شناسایی روستاهای واجد شرایط، جلسات مشترکی با شوراهای اسلامی روستایی برگزار شده، بانوان روستایی با سطح تحصیلات دیلم به بالا به وسیله شوراهא معرفی شده و پس از بررسی وضعیت متقاضیان و انتخاب افراد واجد شرایط، موافقت اصولی از طرف سازمان بهزیستی صادر می‌شود. بهزیستی در این مدل نقش نظارتی این نیفا می‌کند. بخشی از موفقیت روستامهدها، مدیون حضور پررنگ نیروهای بومی و نقش شوراهא به عنوان نهادهای عمومی است که هر دو در باورپذیرشدن طرح و توجیه آن در سطح اجتماع نقشی مهم بازی کردند.

به طور خلاصه، می‌توان گفت با اقتباس از مدل روستامهدها شاید بتوان به ترکیبی دست یافت که در آن در کنار حضور نهادهای دولتی، سمن‌ها بتوانند به جایگاه واقعی خود در اجتماع‌های محلی دست یابند که ممکن است با مفاهیمی همچون سازمان‌های جامعه مدنی آشنایی کمتری داشته باشند و درعین‌حال با استفاده از ظرفیت‌های محلی به پایداری و پذیرش آموزش پیش‌دبستانی کمک کنند. بدیهی است ظرفیت و کیفیت ساختار و خدمات سمن‌ها همچنان پیش‌شرطی بزرگ برای هرگونه مشارکت در چنین طرح‌هایی خواهد بود.

یادداشت

هدایت تحصیلی امسال توصیه‌ای است



مسعود شکوهی

مهم‌ترین هدف هدایت تحصیلی- شغلی کمک به طراحی مسیر زندگی دانش‌آموزان با توجه به کسب شایستگی‌های فردی و اجتماعی از دوره پیش دبستانی تا دوره متوسطه دوم است. هدف این است که فرد به یک هویت تمام‌عیار در تمامی حوزه‌های بهداشت روان، تحصیل و طرح‌ریزی شغلی دست یابد و بتواند انتخاب آگاهانه و آزادانه در تمامی مراحل زندگی داشته باشد. در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش راهکارهای ۳-۱۲ و ۴-۲۱ دقیقاً به موضوع طراحی نظام جامع هدایت تحصیلی و مشاوره پرداخته شده است و تأکید این دو راهکار نیز به همان‌طور که شرایط تحصیل برای همه دانش‌آموزان استعداد، رغبت، توانایی دانش‌آموزان از یک‌سو و بهره‌گیری از توان مربی و معلم تأکید شده است. ما یک پرسوه ۱۱ساله برای اجرائی‌کردن نظام جامع هدایت تحصیلی – شغلی پیش‌بینی کرده‌ایم که الان دو سال از آن گذشته است و مهم‌ترین اقدامات ما در این دو سال تهیه الگوی جامع هدایت تحصیلی- شغلی و زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بود. در ۹ سال باقی‌مانده به‌دنبال آموزش مدیران، معلمان و اولیا به صورت مستمر برای دستیابی همه‌جانبه دانش‌آموزان به شناخت از خود و محیط تحصیلی – شغلی هستیم که الان هم کار شروع شده است.

مراحل اجرائی هدایت تحصیلی – شغلی در دو بعد فرایندی و عملیاتی انجام می‌شود که در بعد فرایندی آموزش دست‌اندرکاران حوزه هدایت تحصیلی- شغلی (اعم از اعضای کمیته، مشاوران، مدیران و دانش‌آموزان) در دستور کار قرار گرفته است. در درس تفکر و سبک زندگی و فصل نهم کتاب کار و فناوری این امر می‌شدند و مدارس راهنمایی بخشی از ظرفیت خود را خالی یافتند، اما مشکلات انقلاب آموزش سال ۱۳۹۱ به موارد گفته‌شده محدود نمی‌شد. دانش‌آموزان پایه ششم با به سن بلوغ می‌گذاشتند و با بچه‌های کلاس‌اولی در یک مدرسه بودند. دبیرستان که همان‌طور که در برخی مناطق به مدارس راهنمایی بودند. اولیای مدارس با مشکل عدم تجانس سنی روبه‌رو شدند و راهکارهای مختلفی در پیش گرفته شد. ساعت زنگ تفریح اول تا سوم از زنگ تفریح بچه‌های چهارم تا ششم جدا شد و در برخی مناطق مدارس دوره اول و دوم ابتدایی را از یکدیگر جدا کردند. این مشکلات در سال ۹۴ میان متوسطه اول و دوم شاید بیش از دوره ابتدایی رخ داد. انتقال دبیران میان پایه اول و دوم موحی از مشکلات را برای معلمان و مدیران و ادارات به وجود آورد. متوسطه دوم با مزاد و متوسطه اول با کمبود نیرو مواجه شد. معلمان دبیرستان به‌هیچ‌وجه تمایل نداشتند وارد مدارس راهنمایی شوند و به‌اجبار دبیران مزاد دبیرستان را به مقاطع راهنمایی و در برخی مناطق به دوره ابتدایی منتقل کردند. آثار مخرب این تغییر در آبان ۹۴ پدیدار شد. مدیرانی که میزبان نیروهای مزاد بودند اکثراً شاکی بودند. آنان از مسئولان درخواست مجوز برای گرفتن نیروهای آزاد حق‌التدریس را داشتند. مسئولان مدارس هم برای اینکه مدارس دولتی از همچنان نظام آموزشی پایان داد. ثبات، شرط اصلاح و بهبود است. غیرانتفاعی که از ثبات بیشتری برخوردار بودند حسابی سود بردند. خانواده‌ها از آشفنگی مدارس کلافه شده بودند. هزینه‌های مالی و غیرمالی نظام ۳-۳-۳ بر پیکره نظام آموزش‌وپرورش آتچنان عظیم است که تا سالیان آتی هنوز ادامه خواهد داشت. باید به بی‌ثباتی نظام آموزشی پایان داد. ثبات، شرط اصلاح و بهبود است. تغییر در نظام آموزش زندگی یکایک مردم کشور را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تغییرات بزرگ را باید مشروط به شرایط سخت کرد. شورای‌عالی آموزش‌وپرورش نهادی است که می‌تواند ساختار نظام آموزش کشور را دگرگون کند، اما رئیس این شورا رئیس‌جمهور است؛ شورایی که عملاً در درون آموزش‌وپرورش است. پیشنهاد مشخص این است که مجلس شورای اسلامی تغییر در نظام آموزش‌وپرورش را برای دو دهه و تغییر در محتوای کتب را برای یک دهه ممنوع و بازنگری در ساختار را هر ۲۰ سال یک‌بار و تغییر در محتوای کتب آموزشی را هر ۱۰ سال یک‌بار مجاز اعلام کند.



معلمان مرزنشین فراموش شدگان نظام آموزشی هستند

تدریس با طعم کوچ‌نشینی

روزها می‌گذراند، ناگزیر غم او را برای رفتن جزم کرده است. می‌گوید: «باوجود اینکه مثل سایر معلمان‌ها از صبح شبه تا غروب چهارشنبه در کلاس تدریس می‌کنم و حتی ماه‌هایی از سال به دلیل برگ‌رفی‌شدن جاده‌ها و مسدودبودن مسیر، ناگزیرم هفته‌ها در این روستا دور از خانواده خودم بمانم، اما نه حقوق مشخصی دارم و نه مشخص هست زیر نظر کدام ارگان کار می‌کنم».

انگیزه‌ای که از دست می‌رود

متأسفانه هیچ خدمتی در این روستا صورت نگرفته و اهالی صبور و کم‌توقع این روستا از امکانات اولیه جاده، برق و تلفن محرومند. هرچند مردم این روستا فرصت محرومیت را مغتنم شمرده و با کشت غلات و پرورش دام و طیور در خیلی از بخش‌ها خودکفا شده‌اند، اما دغدغه این روزهای‌شان تحصیل کودکان معصوم‌شان است. تنها خدمتی که به این روستا شده افتتاح یک مدرسه توسط آموزش‌وپرورش عشایر خوزستان و منطقه ایده است که آن هم با نیروی بسته حمایتی تأمین شده است. با وضعیت جغرافیایی موجود در این منطقه و سبک زندگی کوچ‌نشینی که اهالی دارند و البته نبود امکانات اولیه عبورومرور، هیچ نیروی رسمی‌ای قادر به همکاری و خدمت در این منطقه نیست. معلم روستای «کادکوه» از روزهای اولی می‌گوید که برای تدریس به این مناطق آمده بود. سربازمعلم بود. بعد از تمام‌شدن سربازیش با وجود داشتن حرفه دیگر، به دلیل علاقه‌ای که به حال و هوای درس و کلاس و مدرسه پیدا کرده بود، شغل معلمی را برای ادامه مسیر

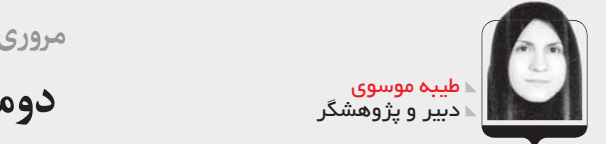
مروری بر تغییرات محتوایی و ساختاری نظام آموزشی دومینوی کیفیت نظام آموزشی

دومینوی کیفیت نظام آموزشی

مطالعات آموزش‌وپرورش) علت این تغییر را تحولات جمعیتی می‌داند. با رشد سریع جمعیت که از اواخر دهه ۱۳۵۰ با ایران به وقوع پیوسته بود، تعداد افراد دارای مدرک دیپلم از دومیلیون نفر در اوایل دهه ۷۰ به پنج‌میلیون نفر تغییر یافت و دانشگاه‌ها ظرفیت پذیرش این‌همه فارغ‌التحصیل را نداشتند. لزومی نداشت همه دانش‌آموزان دیپلم بگیرند بنابراین نظام سالی – واحدی در مقطع دبیرستان اجرا شد. در این نظام‌ها تعداد اخذ مدرک دیپلم به جای ۱۲ سال نیازمند ۱۱ سال تحصیل شد و تنها کسانی مجبور به گذراندن ۱۲ سال تحصیل بودند که قصد داشتند در دانشگاه‌های کشور ادامه تحصیل دهند. برای این گروه از دانش‌آموزان گذراندن یک‌سال دوره پیش‌دانشگاهی الزامی بود. این تغییر که در شورای‌عالی آموزش‌وپرورش مصوب شده بود به‌طور خواسته و ناخواسته تغییرات عمیقی در کیفیت تحصیل، هزینه‌های نظام آموزش‌وپرورش، فضای فیزیکی مدارس و زندگی آتی جوانان کشور به‌جا گذاشت. بخشی از دانش‌آموزان تصمیم گرفتند به اخذ مدرک دیپلم (۱۱ ساله) پسنده و سودای تحصیل در دانشگاه را از سر

بیرون کنند و دیگر به راحتی نمی‌توانستند در تصمیم خود تجدیدنظر کنند. در نظام جدید، مدارس پیش‌دانشگاهی راه‌اندازی و از دبیرستان جدا شدند. آموزش‌وپرورش در بسیاری از مناطق با کمبود فضای آموزشی در دوره

پیش‌دانشگاهی و مزاد فضای آموزشی در دوره دبیرستان روبه‌رو شد. مدارس پیش‌دانشگاهی در کلان‌شهرها به‌سرعت بوی تجاری گرفتند زیرا دانش‌آموزان علاقه‌مند به دانشگاه در آن حضور داشتند و خانواده‌ها حاضر بودند هر هزینه‌ای را بپردازند تا احتمال ورود به دانشگاه فرزندان‌شان را افزایش دهند. کتب دوره پیش‌دانشگاهی کاملاً تغییر کرد و بسیار سخت‌تر از چهارم دبیرستان نظام قدیم شد و برخی از دروس و مفاهیم سال اول دانشگاه به دوره پیش‌دانشگاهی انتقال یافت. معلمانی که از حقوق خود ناراضی و با مشکلات عدیده اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کردند مجبور بودند علاوه بر شرکت در کلاس‌های ضمن‌خدمت، هرسال درس و سؤالات جدیدی را برای هر جلسه طراحی کنند زیرا جزوه و سؤالات آزمون‌های سال پیش قابل استفاده نبودند. حجم کار زیاد، آمادگی قبل از تدریس و فعالیت‌های ضمن تدریس و پس از آن موجب شد تا تعداد محدودی از معلمان رسمی دبیرستان در پیش‌دانشگاهی تدریس کنند. از دیگر معایب نظام جدید



در این مقاله تحول در ساختار نظام آموزشی کشور در سه مقطع ۱۳۷۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ بررسی می‌شود. در کنار مشکلات مختلف، تحول در ساختار نظام آموزشی یکی از علل مهم مشکلات آموزشی کشور است. بی‌ثباتی در نظام آموزشی را می‌توان و باید متوقف کرد. این مقاله پیامد بی‌ثباتی را بررسی می‌کند و راهکاری برای اصلاح آن ارائه می‌دهد. در اهمیت کیفیت نظام آموزشی نیازی به سخن گفتن نیست، سرنوشت امروز و فردای هر کشوری به کیفیت تعلیم‌وتربیت کودکان و نوجوانان آن کشور بستگی دارد. آموزش‌وپرورش بدون‌تردید بزرگ‌ترین نهاد آموزشی کشور است و کیفیت تعلیم‌وتربیت وابستگی کامل به کیفیت آموزش‌وپرورش رسمی کشور دارد. در مورد علت کیفیت نامطلوب آموزش‌وپرورش فرضیه‌های مختلفی مطرح است. بسیاری حقوق تکافی معلمان را ریشه مشکلات کنونی می‌دانند و معتقدند حقوق معلمان باید به میزانی افزایش یابد که معلم دغدغه‌ای به جز تدریس نداشته باشد و بهترین نیروهای کشور جذب وزارت آموزش‌وپرورش شوند. در همین راستا افزایش بودجه آموزش‌وپرورش برای افزایش حقوق معلمان و افزایش برنامه‌های فوق‌العاده و ارتقای کیفیت مدارس شرط بهبود وضعیت آموزشی بیان می‌شود. عده‌ای دیگر وضعیت درآمدی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و بی‌کاری فارغ‌التحصیلان را علت افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌دانند. جدا از صحت یا نادرستی فرضیه‌های فوق، مشکلی اساسی پس از قبول این فرضیه‌ها به وجود می‌آید. فرض کنید حقوق معلمان، کسر بودجه آموزش‌وپرورش، وضعیت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و... علت اصلی کیفیت کنونی نظام آموزشی کشور باشد. این فرضیه‌ها راهکاری کوتاه‌مدت برای برون‌رفت از وضعیت کنونی نمی‌دهند و دست سیاست‌گذاران را برای تغییر بسته نگه می‌دارد. در کنار سیاست‌های بلندمدت باید سیاست‌های کوتاه‌مدت ارائه شود تا روزه‌های امید برای دستیابی به وضعیت بهتر، سیاست‌مداران را برای توجه بیشتر به نظام آموزشی معطوف کند.

تغییرات نظام آموزشی کشور

از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۴۵ نظام آموزش رسمی کشور به دو دوره شش سال ابتدایی و شش سال متوسطه تقسیم شد. در سال ۱۳۴۵ تصمیم گرفته شد پس از ۴ سال، نظام آموزشی مورد بازنگری قرار گیرد و به سه دوره پنج سال ابتدایی، سه سال راهنمایی و چهار سال دبیرستان تغییر یابد. از سال ۱۳۴۵ نظام جدید برای ۲۵ سال بدون تغییر باقی می‌ماند تا اینکه در سال ۱۳۷۰ (سه سال پس از پایان جنگ) تغییر عمده در نظام آموزشی به وقوع می‌پیوندد. علاءالدین کیا (مدیر هماهنگی امور پژوهشی پژوهشگاه